

در دفاع از رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی

در همبستگی با کارزارهای سراسری و بین‌المللی در دفاع از کارگران ایران

دوره تازه ای از دستگیریها و فشارها به فعالان اجتماعی و رهبران تشکلهای مستقل کارگران و معلمان آغاز شده است. یورش دوباره ی دولت سرمایه داران و باندهای حکومتی به طبقه کارگر، هجوم به جان و هستی فرودستان و زنان، تعرض به کارگران بیکار و کشتار کولبران و دستفروشان و دستگیری فعالین جنبش کارگری، بیانگر ناتوانی و بحران در رژیم اسلامیست. دستگیری رضا شهابی، از اعضای هیئت مدیره «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، دستگیری محمود بهشتی از رهبران کانون معلمان ایران، حکم زندان مجدد علی نجانی از رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه، و دهها نمونه دیگر از جمله ی این تهاجم طبقاتی به طبقه کارگر است. دولت روحانی در دور دوم ریاست جمهوری با تشدید حملات به جنبش کارگری، تدوین قراردادهای تازه کار، میخواهد شرایط تشدید استثمار نیروی کار را فراهم کند. اکنون دولت روحانی در کنار دستگاه قضایی و بیت رهبری، آدمکشان، شکنجه گران، بازجویان، پاسداران و غارتگران با سرکوب لجام گسیخته میخوانند ناجی نظام باشند. دولتی درمانده از جلب سرمایه و پشتیبانی و ایجاد بازاری امن برای سرمایه، اینک یورش به طبقه کارگر و فعالین این طبقه رابه سیاست اصلی خود برای کنترل بحران تبدیل کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی حمله به فعالین جنبش کارگری را تشدید کرده است که طبقه کارگر به صورت جزیره های پراکنده اما پرشمار، در هر گوشه از ایران به اعتراض و اعتصاب روی آورده است. این اعتراضات طبقاتی راهی جز سراسری شدن و متحد شدن ندارند..

کارگران و فعالین کارگری، آزاد شده دوباره به زندان فرا خوانده شده‌اند. با شدت یابی سرکوب و فشار، بخشی از زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر و زندان های دیگر دست به اعتصاب غذا زده‌اند. رضا شهابی یکی از آنان است. برای علی نجانی از رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه، حکم زندان مجدد صادر شده است.. داوود رضوی و ابراهیم مددی و ده ها فعال اجتماعی و کارگری دارای پرونده باز و زیر تیغ بازداشت‌ها هستند. زینب جلالیان و آتنا دانمی، نرگس محمدی، گلرخ ابراهیمی، سعید ماسوری، آرش صادقی، سعید شیرزاد، لقمان و زانیار مرادی و ده ها فعال اجتماعی در کارزار اعتراضی زنان و دفاع از حقوق کودکان اسیر شده در شرایط سختی به اسارت گرفته شده‌اند..

رضا شهابی با اعتصاب غذای طولانی اش در آستانه مرگ است. کمک های پزشکی و دارویی و رسیدگی به او ممنوع شده است و این کارگر آگاه را در سلول بین مرگ و زندگی رها کرده‌اند. رژیم ایران قصد دارد تا رضا شهابی و دیگر اعتصابیون را همانند شاهرخ زمانی کارگری انقلابی و ده ها زندانی سیاسی جانباخته در زندان را از پای در آورد..

اسماعیل عبدی آموزگار زندانی در بند ۳۵۰ زندان اوین که در روز ۱۰ اردیبهشت، (۳۰ آوریل ۲۰۱۷)، در اعتراض به صدور احکام امنیتی برای فعالان کانون های صنفی آموزگاران و کارگران و با درخواست «خروج روند پیگیری پرونده خود از حالت امنیتی به عادی» اعتصاب غذا کرده بود، اینک زیر فشار شدیدی قرار دارد. محسن عمرانی، آموزگار بوشهری، بار دیگر دست به اعتصاب غذا زده است. چنگیز قدم خیری زندانی سیاسی اهل کامیاران پس از 5 سال زندان و شکنجه، از سوی دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی بابایی به ۴۰ سال حبس تعزیری محکوم شده در زندان مسجد سلیمان، از دوم مرداد دست به اعتصاب غذا زده است. آتنا دانمی فعال اجتماعی و ده ها تن از زندانیان سیاسی و کارگری در زندان های ایران در حال اعتصاب غذا یا زیر شدیدترین فشارها قرار دارند. گزارش شده است که تا 4 سپتامبر، یک هفته می گذرد که تماس های تلفنی قطع شده و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بند 350 آغاز شده است. شمار زیادی از خانواده ها در سالن ملاقات زندان اوین و بیرون زندان گردآمده اند.

زندانیان سیاسی در شمار سید ضیا نبوی، مجید دری، علی پرویز، کوهیار گودرزی، احمد کریمی، جعفر اقدامی، محمد رضا محمدی (فرزند یکی از اعدام شدگان دهه شصت که به 11 سال زندان محکوم شده و مدت 6 سال است بدون حتی یک روز مرخصی در بند 350 زندانی است)، علی ملیحی، پویا ابراهیمی و... از دیدار خانواده های خود ممنوع شده اند.

خانواده های زندانیان را تهدید کرده اند که در صورت اعتراض، تمامی اعتصاب کننده ها را از زندان اوین به زندان گوهردشت کرج منتقل خواهند کرد. تبعید علی اکبر باغانی آموزگار آزاده و جلب محمود بهشتی لنگرودی برای گذراندن چهارده سال حبس به زندان و جعفر عظیم زاده فعال کارگری، حکم تعلیقی سه سال زندان برای طاهر قادر زاده و یکسال تعلیقی برای رضا مسلمی ها در ادامه ی سیاست سرکوبی است که دولت «تدبیر و امید» سرمایه داران مجری آن است.

گزارش شده است که انباشتن زندانیان سیاسی در حال اعتصاب غذا به سلول های انفرادی بند 240 اوین، با نقشه بزرگ نیا رئیس بند 350 صورت گرفته است. شماری از نیروهای گارد زندان که از پاسداران بند سپاه و بند 209 بودند در جلوی بند 350 صف کشیده تا در صورت گسترده شدن اعتراضات زندانیان سیاسی بند 350 زندانیان سیاسی را به بند سپاه و یا بند 209 منتقل کنند. سرکوب زندانیان سیاسی و بازداشت کارگران، با هماهنگی بازجویان وزارت اطلاعات و به حکم عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران صورت می گیرد. دادستان تهران، دولت آبادی، صداقت نژاد رئیس زندان اوین، اطلاعات زندان اوین و مصطفی بزرگ نیا رئیس بند 350 که زندانیان به او نام جلااد بند 350 زندان اوین لقب داده اند از جمله مجریان دستورات ولی فقیه، سید علی خامنه ای برای مهار و کنترل جنبش کارگری و اجتماعی هردم اوج گیرنده هستند.

در تهران، آکسیون های همبستگی با زندانیان دربند در زندان رجایی شهر برگزار شد. به دعوت سندیکای کارگران شرکت وحدت رانندگان برخی اتوبوس ها با روشن کردن چراغ های خود و کاهش سرعت حرکت اتوبوس ها با رضا شهابی اعلام همبستگی کردند و همچنین به دعوت کمپین دفاع از اعصابیون زندان گوهردشت عده ای از فعالین اجتماعی و مدنی در برابر زندان گوهردشت تجمع کرده و با این زندانیان اعلام همبستگی کردند.

بیش از ۲۷۰ نفر از فعالین سیاسی و اجتماعی کشور با انتشار بیانیه ای ضمن اعلام حمایت از زندانیان اعتصابی زندان گوهردشت تاکید کرده اند که با تمام توان در کنار آن ها ایستاده اند. این نامه را جمعی از فعالان سرشناس جنبش کارگری و حقوق بشر و فعالین فرهنگی از جمله: پروین محمدی، شاپور احسانی راد، جعفر عظیم زاده، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، داوود رضوی، محمود صالحی، هاله صفرزاده، فریبرز رئیس دانا، محمد مالجو، نسرین ستوده، آرش صادقی، گلرخ ایرایی، محمود بهشتی لنگرودی و محمد ملکی امضا کرده اند.

طبق آخرین گزارشات سعید شیرزاد، رضا شهابی، سعید پورحیدر و محمد نظری همچنان در اعتصاب هستند. بنابر گزارشات انتشار یافته نکته دای که همه زندانیان به ویژه زندانیان اعتصابی که اکنون به اعتصاب خود خاتمه داده اند بر آن تاکید داشتند این نکته بود که نه تنها مطالباتشان پاسخی دریافت نکرده که اوضاع بند به مراتب بدتر شده است به طوری که معدود روزنامه هایی هم که وارد بند می شد اکنون ممنوع شده و امکان خرید از فروشگاه وجود ندارد.

زندانیان اعتصابی از تمام افراد، شخصیت ها و فعالان کارگری، معلمان، زنان و دانشجویان و ... که در این مدت آن ها را تنها نگذاشتند تشکر و قدردانی نمودند.

در همین حال، کارزارهای بین المللی در دفاع از کارگران توانسته اند حمایت سندیکاهای فرانسوی و سندیکاهای سوئدی، آلمانی و بریتانیایی را جلب کنند. این اتحادیه ها در نامه های جداگانه ای به مقامات حکومت ایران خواستار آزادی فوری رضا شهابی و پایان دادن به سرکوب و تعقیب فعالین سندیکایی و اتحادیه ای در ایران شدند.

پنج سندیکای کارگری فرانسه به اتفاق سازمان عفو بین الملل این کشور در نامه ای از مانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه خواستند برای حفظ جان رضا شهابی دخالت کند.

ارسال نامه به رییس جمهوری فرانسه بخشی از کارزاری است که «کلکتیو»، متشکل از ۵ سندیکای کارگری فرانسه (به اتفاق Solidaires) و سولیدر (UNSA)، اونسا (FSU)، اف.اس.یو (CFDT)، ث.اف.د.ت (CGT) و سولیدر (Solidaires) سازمان عفو بین‌الملل برای حمایت از رضا شهابی و سایر فعالان کارگری و فرهنگی ایران آغاز کرده‌اند. آنان در نامه‌های خود آورده‌اند که رضا شهابی، فعال کارگری که از ۱۸ مرداد در اعتصاب غذای اعتراضی به سر می‌برد، با افت شدید فشار خون، بی‌حسی موضعی در ناحیه چپ بدن، اختلال در کارکرد دستگاه گوارشی و همین‌طور کاهش شدید وزن رو به روست. از سوی دیگر اسماعیل عبدی، عضو کانون صنفی معلمان ایران دستگیر شده و زندانی است. محمود بهشتی لنگرودی، روز سه‌شنبه ۲۱ شهریور در خانه‌اش دستگیر و به زندان منتقل شده است. علی نجاتی، عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت‌تپه هم از سوی دادسرای اندیمشک برای گذراندن شش ماه حبس به زندان احضار شده است.

در همین حال سازمان سراسری کارگران سوئد (ال.او)، سندیکای کارگران حمل و نقل، اتحادیه فلز و اتحادیه کمونال سوئد حکم جلب و زندان فعالین اتحادیه ای مستقل و آزاد در ایران را محکوم کرده‌و خواهان آن آزادی بی قید و شرط رضا شهابی و همه فعالین اتحادیه ای از زندانهای جمهوری اسلامی، لغو همه احکام علیه فعالین اتحادیه ای، احترام و پابندی رژیم اسلامی به مقوله های پایه ای سازمان جهانی کار و پایان دادن به رفتارهای وحشیانه علیه فعالین اتحادیه ای شده اند.

بی تردید کارزار و درخواست پشتیبانی از کارگران و معلمان، از کولبران از زنان و خصوصا در دفاع از جان رضا شهابی ها و آزادی زندانیان سیاسی اینک در جهان، پژواک یافته است. تلاش برای ایجاد تقویت تشکلهای مستقل و همراهی با کمیته‌های همبستگی با جنبش کارگری، کارگران زندانی، و تمامی زندانیان سیاسی در اخل کشور و پشتیبانی فعالان و تشکلهای چپ و کارگری تبعیدی و تلاش برای جلب حمایت بین المللی اینک، یک ضرورت حیاتی است. در این راستا کارزارهای پشتیبانی در داخل و پیوند شبکه‌های همبستگی در بیرون از ایران و فراخواندن پشتیبانی طبقه کارگر بین المللی و سراسری، اهرم فشاری بر حکومت اسلامی و دستگاه سرکوب رژیم اسلامی است تا این صف متحد و انسانی بتواند این رژیم جنایتکار و تبه‌کار را به عقب راند و مبارزه اجتماعی مردمان ایران را به پیش راند.